

گزارش

آذر منصوری در نشست نسبت بین نوسازی و تحزب مطرح کرد

چرا حزب قدرتمند نداریم

● آذر منصوری، فعال سیاسی و از اعضای شورای مرکزی حزب اتحاد ملت، در نشست «نسبت بین نوسازی و تحزب» که به همت انجمن اندیشه و قلم برگزار شده بود، در تشریح وضعیت احزاب پس از انقلاب گفت: چه اتفاقی افتاد که ما بعد از ۳۷ سال که از نظام جمهوری اسلامی گذشته همچنان با مسئله‌ای جدی به نام عدم پایدی احزاب مواجه هستیم و در بزنگاه‌های انتخابات احزاب پرچمی را بلند می‌کنند و تابلویی به نمایش می‌گذارند، لیستی را در نهایت منتشر می‌کنند اما پس از انتخابات، تا انتخابات بعدی اثرگذاری لازم را حتی در نظارت بر نهاد منتخبی که نمایندگانشان به آن راه یافته‌اند ندارند. در سپهر سیاسی کشور هم ما نمودی از ظهور احزاب نمی‌بینیم. منصوری ادامه داد: یک نمونه مشخص آن این است که چرانی سیاسی به نام جریان اصلاح طلب در کشور ما وجود دارد به عنوان یکی از جریان‌های مهم – که دوستان می‌دانند من همواره از این جریان به عنوان یک نیروی حزبی دفاع کرده‌ام. منصوری اضافه کرد: به اعتقاد من نگاهی که ما در ۸۰ سال پیش احزاب داشتیم، امروز هم خواسته یا ناخواسته وجود دارد. همین قانون احزاب را نگاه کنید و مقایسه کنید با کشورهای توسعه‌یافته که احزاب به عنوان بازیگران اصلی عرصه قدرت در آن ایفای نقش می‌کنند، نگاهی که در این قانون غلبه دارد، نگاه کاملاً سلبی است. درحالی‌که اگر ما خواستار حضور بیشتر احزاب در فضای سیاسی کشور هستیم باید افراد را ترغیب کنیم که بیایند و کار حزبی کنند. کار حزبی یعنی اینکه افرادی که می‌آیند در فضای سیاسی کشور فعالیت می‌کنند، دارای سِجَل و شناسنامه سیاسی هستند و هویت تعریف‌شده دارند درحالی‌که این نگاهی که غلبه دارد بر این قانون، نگاه سلبی است؛ اما اگر ما خواستار حضور احزاب در فضای سیاسی کشور هستیم باید نگاه ما در قانون، نگاه ایجابی باشد. او همچنین به کارکردگرایی کوتاه‌مدت احزاب اشاره کرد و افزود: بحث دیگری که وجود دارد این است که در این قانون، کارکرد احزاب تا پای صندوق‌های رای دیده شده و بعد از آن نقشی برای احزاب تعریف نشده است. اگر عضوی از یک حزب، با بردن آن حزب در انتخابات حضور می‌یابد و رای می‌آورد و وارد یک نهاد دموکراتیک می‌شود، سهم آن حزب در آن نهاد دموکراتیک، در قانون ما محلی از اعراب ندارد. این یک طرف بحث است که یک ضعف و ریشه تاریخی دارد. او افزود: همین است که برای پروانه تاسیس احزاب در کشور، استعلام‌هایی که می‌شود نگاه سلبی بر آنها حاکم است؛ یعنی ما اگر به عنوان عضو هیات مؤسس یک حزب تقاضای تأسیس می‌دهم آنچه بررسی می‌شود صلاحیت من به عنوان یک رجل سیاسی نیست که بررسی می‌شود که آیا می‌توانم این حزب را دایر و مدیریت کنم یا نه؛ صرفاً استعلام‌ها در یک حوزه خاص با یک نگاه کاملاً غیرسیاسی انجام می‌گیرد. همین هم هست که وقتی من به مسئولیتی می‌رسم فکر می‌کنم اینکه من عضو هیچ حزبی نباشم، یک امتیاز است. درحالی‌که اگر ما خواستار تقویت تحزب هستیم باید این ویژگی یعنی حزبی‌بودن به عنوان یک امتیاز و شاخص مطرح باشد. در نهایت در چرخه و دوری گرفتاریم که مرتب در حال تکرار است و باعث می‌شود ما درزمینه رسیدن به مقطعی که احزاب بتوانند به عنوان بازیگران اصلی عرصه سیاسی باشند مشکل داشته باشیم. منصوری در ادامه افزود: در نهایت ما گریزی نداریم که برای توسعه سیاسی به تقویت سطح اثرگذاری احزاب کمک کنیم. باید تلاش کنیم قانون احزاب به نوعی اصلاح شود که در آن رویکرد ایجابی غلبه داشته باشد و برای احزاب پس از صندوق رای نقش نیز تعریف شود. او ادامه داد: ما به آموزش و اصلاح باور عمومی جامعه نسبت به احزاب نیاز داریم. واقعیتی که وجود دارد این است که ما پیشینه روشنی از کارکرد احزاب در ایران نداریم و این هم نوعی حزب‌گریزی را در جامعه دامن می‌زند؛ بنابر این هم احزاب و هم مراجع رسمی و غیررسمی آموزش‌ی باید در تغییر نگرش جامعه نسبت به احزاب برنامه داشته باشند.

این فعال سیاسی گفت: ما باید به این موضوع توجه داشته باشیم که احزاب یکی از ارکان جامعه مدنی هستند که علی‌القاعده در مجاورت

با ارکان دیگر جامعه مدنی یعنی مطبوعات و رسانه‌های آزاد و سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد و تشکل‌های مدنی و فرهنگی و...

هستند. احزاب به عنوان جزئی از این ارکان باید کمک کنند تا ارکان دیگر جامعه مدنی هم تقویت شوند. تجربه هم نشان داده تمرکز بر اصلاحات

دولت‌محور به‌تنهایی به نتیجه نخواهد رسید. اصلاحات دو سو دارد؛ یک سوی آن دولت است؛ اما سوی دیگر آن جامعه است. او در پایان گفت:

ما ناگزیریم تا اطلاع ثانوی و تا زمانی که چند حزب اثرگذار در کشور داشته باشیم به صورت جبهه‌ای و ائتلافی حرکت کنیم تا از ظرفیت‌های دیگر توسعه سیاسی مانند انتخابات برای توسعه و پیشرفت کشور استفاده کنیم.

ادامه از صفحه ۶

درباره تا این حد مخالفت بحثی ندارم و حتی از وجود آن دفاع هم می‌کنم و می‌گویم آزادی است و می‌خواهند مخالفشان را ابراز کنند و این در نهایت به قدرت جامعه ما کمک می‌کند. اتفاقاً در دموکراسی که در آن مخالفت آزاد است، این آزادی بنیاد قدرت است. روزنامه‌ایتان که شما به فرانسه برو و ببگو علیه ما ننویسند. می‌گوید به من چه ربطی دارد، برو به آن روزنامه بگو. اما به یک کشور غیردموکرات برو، نمی‌تواند بگوید به من چه. باید دستور بدهد روزنامه خفه شود. چون همه می‌دانند روزنامه در آنجا آزاد نیست. در این قضیه هم همین‌طور است. بسا اصل مخالفت‌کردن مخالف نیست، اما مخالفت‌های دوستان فراتر از این حرف‌ها بود و هست. در قضیه مجلس، خودشان را به آب و آتش می‌زدند که این موضوع تصویب نشود. یعنی اصلاً روی هوا برود و اعتبار کشور و همه‌چیز از میان برود. هرکسی این قضیه را می‌فهمد، اما می‌شد فهمید که چندین بار مخالفت‌های رهبری در بالا رفتن موضوع مذاکره‌کننده‌ها مؤثر بود.

ولی رهبری گفتند بهتر از این هم می‌شد مذاکره کرد.

معلوم است. بهتر از این می‌شد؛ بهتر از آن حالت احتمالی هم می‌شد. بهتر از هر چیز دیگری می‌شد. مانند تیمی که برای مسابقه می‌رود که در هر مسابقه بهتر از آنچه بازی کرد هم می‌شد بازی کند. مگر اینکه قهرمان شویم و همه را برزیم و پینداریم کنار. تازه آن‌موقع هم بهتر از آن می‌شد. در این گزاره که حرفی نداریم، معلوم است. ولی بهتر از این می‌شد، یک معنای مهم دارد. اینکه همین خوب است، البته بهتر هم می‌شد. نه اینکه به نام دفاع و حمایت از رهبری عده‌ای بگویند خیانت است و اساساً اصل قضیه را به هوا ببرند. چون به‌هرحال ایشان رهبرند و نسبت به مسئولیتشان پاسخگو هستند. اگر برجام هم در چارچوب رهبری ننگند، پس در چه می‌کنجد تا الان هم به نظرم بخش اعظم مخالفت‌ها در نتیجه کار مثبت بوده است، روی مذاکره‌کننده فشار می‌آورد که دقت بیشتری کند و به دیگران بگوید دست ما باز نیست و نمی‌توانیم کاری کنیم. اما نهایتاً یک جا باید تصمیم گرفت. حالا که تصمیم را گرفته‌اند، خوب یا بد، شما از آن تعبیر خوب و کمک کنید تا بهتر اجرا شود. **● به نظر شما رویکرد رهبری نسبت به برجام در مقایسه با سعدآباد و کلا دوره سال‌های بین ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴ قدری انتقادی‌تر نیست؟**

به خاطر اینکه این توافق به نتیجه رسیده و مؤثرتر است. صددرصد همین‌طور است. درحالی‌که در موارد

قبلی، نه به دار بود و نه به بار.

● نه، همان موقع را می‌گویم.

واقعیتی این است که موقع توافق سعدآباد در سال ۱۳۸۲ در زندان بودم و نمی‌توانستم پیگیر قضیه باشم و اطلاعی از جزئیاتش ندارم و نمی‌دانستم چه خبر هست، اما این را می‌دانم که این توافق اصلاً قابل قیاس با آنها نیست. در این توافق طرفت آمریکااست. آن‌موقع طرفت اتحادیه اروپا و آن سه کشور بودند. این توافق با صاحبان حق وتوی شورای امنیت و بعد از قطع‌نامه‌های شورای امنیت است. اصلاً زمین تا آسمان با آنها فرق می‌کند. مربوط به وقتی است که غنی‌سازی شده و خیلی مفصل هم بوده است. ماهیت و آثارش متفاوت است. آثار خبری‌اش را نگاه کنید. انعکاسی که در جهان راه انداخته است و به‌عنوان خبر مهمی که در حد تیتُر یک خبری همه رسانه‌ها بود و مستقیم می‌خواستند پخش کنند.

به نظرم رهبری به این دلیل با ملاحظه با این قضیه برخورد می‌کنند که سطح انتظاراتی که در ما و در جامعه است، پایین نیاورند. یعنی ما بهتر از این می‌توانیم باشیم. نه اینکه به این رضایت داده شود و هیچ تکانی نخوریم. ولی به‌هرحال ایشان از اصلش حمایت کرده که این‌گونه شده است، وگرنه اگر ایشان تصمیم نگیرد، به چه دلیل باید تصمیم آقای طریف را بپذیریم؟ اصلاً در برجام برای مسئله آقای طریف یا حتی آقای روحانی نیست.

● به‌طور کلی دولت و جناح معروف به اعدالیون از قضیه برجام و توافقی که دولت به آن دست یافت، کوتاه‌مدت و درازمدت بیشتر سود می‌برند یا اصلاح‌طلب‌ها؟

واقعیت این است که به‌طور قطع و یقین مملکت از همه بیشتر سود می‌برد.

● از نظر استفاده در رقابت‌های سیاسی، عرض کردم.

در استفاده سیاسی معتقد نیستم برجام تعیین‌کننده نهایی می‌شود. ابتدا که برایتان توضیح دادم فکر کنم روشن‌گفتم که برجام با وجود همه نکاتش در عرصه سیاست، فوری به تاریخ می‌پیوندد. یعنی مردم امروز با موضوعات جدیدی مواجه هستند و باید ببینند چه کسی می‌تواند آنها را انجام دهد. کسی نمی‌تواند تا آخر عمر سر این سفره بنشیند و از آن ارتزاق کند. موضوعی است که تمام می‌شود و می‌رود و مورد جدید دیگری می‌آید. چه‌سپاس یک نفر پس از یک دستورده مهم چند خطا کند و برای قضاوت مردم آن خطاها مهم‌تر شوند. ضمن اینکه احترام آن اقدامش را هم نگه می‌دارند. لزومی ندارد صفر و یک باشد.

به نظر من برجام خیلی سریع می‌تواند به تاریخ بپیوندد، فقط باید بگوئسیم جامعه‌مان آن‌قدر قدرتمند شود که از برجام بیشترین بهره‌برداری را کنیم. نگرانی‌ام این است که مخالفان برجام آگاهانه یا ناآگاهانه حس می‌کنند برای اینکه دولت را برزند، باید برجام شکست بخورد و برای اینکه برجام شکست بخورد، باید قدرت ملی‌مان ضعیف باشد؛ چون این قرارداد نیست که فارغ از قدرت ما مراحلش را طی کند. قرارداد الجزایر فارغ از اینکه چه دولتی باشد، چه آقای هاشمی، چه روحانی، چه خاتمی و چه احمدی‌نژاد سببش را طی

می‌کند و کار خودش را انجام می‌دهد. در اینجا به برخی از مخالفان برجام خوش‌بین نیستم، چون به منافع ملی کمتر اهمیت می‌دهند تا اختلافات جناحی.

● از نظر خیلی‌ها درحال حاضر برجام از لحاظ رفع تحریم شکست خورده است.

نه‌تنها فکر نمی‌کنم شکست‌خورده محسوب می‌شود که بخش اعظم دستاوردش را محقق کرده است.

● به این معنی که به اهدافی که می‌خواستید، نرسیده است.

می‌توانیم بگویم مطابق انتظاراتی که فراهم شده، نبوده است، اما شکست‌خورده محسوب نمی‌شود. مثال می‌زنم؛ بازیکن گران‌قیمتی را به تیم می‌آورید و این‌گونه جا می‌اندازید (چون می‌خواهید هزینه هم کنید) که با آمدن این بازیکن ما قهرمان می‌شویم، اما قهرمان نمی‌شوید ولی در جدول چند رده صعود می‌کنید. معلوم است که باید پاسخ‌گو باشید، ولی درعین‌حال تیم از قبل بهتر شده است. چون می‌خواستیم برای آوردن آن بازیکن توجهی داشته باشد و مخالفت‌ها شدید بود بنابراین تعهد قهرمانی داد. اساساً با یک بازیکن نمی‌شود قهرمان شد. به نظرم برجام به‌هیچ‌وجه شکست‌خورده محسوب نمی‌شود. همان‌قدر که شرایط ایران را در جهان، عادی کرده و گام‌هایی برای رفع تحریم برداشته شده، اهمیت دارد.

بگذرد و همان‌طور فروش نفت زمان‌بر است. فروش نفتی که تا الان به رقمی حدود دوونیم میلیون رسیده است، آن هم حداقل با دریافت نقدی و دیگر احتیاجی نیست پول ما در بانک‌ها بولکه بماند. مقرهایی پیدا شده است. همین‌قدر موفقیت دارد و شکست نیست، اما شاید متناسب با انتظارات گفته‌شده نیست.

● به موضوع عادی‌شدن وضعیت ایران پس از برجام و گزارش جدید دبیرکل راجع به برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ به نظر می‌رسد همان برنامه‌ریزی‌هایی که برای هسته‌ای شد، درباره قضیه موشکی ایران به‌شدت دارد دنبال می‌شود.

مثل قبل از اوایل کار، روسیه دارد با این موضوع مخالفت می‌کند، ولی ممکن است چهار سال دیگر روسیه مانند موضوع هسته‌ای به آنها بپیوندد. ایران با قضیه موشکی چگونه باید برخورد کند؟ علاوه بر موشکی، مسئله اعراب هم هست که یک دیدگاه معتقد است باید به‌شدت مقابله کرد، مثلاً در قضیه سوریه و عربستان، اما دیدگاه امثال آقای موسویان این است که باید بنشینیم و به تفاهم با آنها برسیم. قبلاً مطلبی نوشتم که در آنجا نکته‌ای را تذکر دادم. درباره عادی‌سازی منظورم این نیست که دیگر تمام شد و با یکدیگر ریفیقیم. به‌هیچ‌وجه چنین نیست. همچنان که روابط روسیه را با آمریکا عادی نمی‌بینید، اما دوران پرتش نیمه دوم قرن گذشته که خطر جنگ هسته‌ای بیش‌از حد بود، از بین رفته است، اصلاً کسی نمی‌تواند بگوید که روسیه با آمریکا عادی شده است. اوکراین، سوریه و لیبی هرکدام می‌توانند مسئله ایجاد کنند. بنابراین روابطمان با غرب مثل کشورهای دیگر با غرب عادی نشده است، بلکه این کوششی برای بازگشت به دوره ۸۰ خورشیدی است، تازه اگر به آنجا برسیم! در نتیجه موشکی و سایر مسائل کماکان سر جای خودش هست، اما می‌خواهم درباره اینکه آنها بتوانند برای ما مشکل درست کنند یا نه، توضیح بدهم.

یادداشتی که نوشتم این بود که اصلاً چرا ایران تحریم شد. علتش فقط این نبود که آنها تصمیم گرفتند ایران را تحریم کنند و توانستند. دوره آقای احمدی‌نژاد نشان داد ایران در استفاده از منابعش ناتوان است. ۸۰۰ میلیارد دلار دارید و هم‌ااش سوخته. دود شده و به هوا رفته است. اصلاً قصد نیست بگویم خوردند و بردند، چون اگر خورده بودند، باز هم خوب بود. بخش عمده‌اش سوخته، دود شده و به هوا رفته است، و هوای اقتصاد و سیاست کشور را آلوده کرده است، یعنی اتلاف منابع. این امر موجب شد آنها تحریم به تحریمی شوند، چون تحریم در چنین شرایطی مؤثر می‌شد. اگر اقتصاد دوره هشت‌ساله آقای احمدی‌نژاد مثل چهار سال دوم دوره آقای خاتمی بود، امروز

اقتصادمان ۵۰ درصد قوی‌تر از وضعیت موجود بود. چگونه می‌توانستند آن را تحریم کنند؟ تحریمشان کار احققاتی‌ای می‌شد و ما هم نیاز به برجام نداشتیم روی پایمان می‌ایستادیم، اما وقتی تضعیف می‌شوید، آنها می‌توانند تحریم کنند. فقط این نبود که آنها تحریم کردند، مهم‌تر این بود که ما تضعیف شدیم، ما ضعیف شدیم که آنها تحریم کردند.

حالا سؤال این است که آیا اینها در قضیه موشکی و روابط با اعراب به ایران فشار می‌آورند؟ اگر ضعیف شویم حتما این کار را می‌کنند، اما اگر قوی شویم دستی را که نمی‌توانند گاز بگیرند، می‌بوسند. یقین داشته باشید چنین خواهد شد. بنابراین مسئله این نیست که مشکلمان با غرب حل شده یا نه، مسئله این است که اگر گنده‌ای عبور کرده‌ایم، ولی بخش قابل‌توجهی از مشکلات مانده است. آنها می‌خواستند ما را در شکنجه با به نام هسته‌ای قرار دهند. در این قضیه هم موفق شدند، اما درباره موشکی نمی‌توانند به این راحتی این کار را بکنند. وقتی موشک نمی‌تواند به کلاهک هسته‌ای مجهز شود یا کلاهک نداشته باشد، چند موشک هم داشته باشد، خطری برای امنیت هیچ کشوری ندارد. می‌توانید بگویید این امر دفاعی است. حالا چه زمانی می‌توانید موفق ظاهر شوید؟ وقتی قدرتمند باشید. اگر در داخل

سیاست

برجام شرط لازم برای اصلاح کشور است، نه کافی

کشور قدرتمند باشیم، قدرت ما در چیست؟

دو رکن مهم قدرت اولویت دارد: ۱) ثبات سیاسی و مشارکت مردمی و ۲) اقتصاد. برای قدرت فقط روی موشک تمرکز نکنیم. موشک به‌تنهایی قدرت نمی‌آورد. ادامه آن دو رکن، قدرت تسلیحات و نظامی و مسائل دیگر را نیز تأمین خواهد کرد. اعتبار ترکیه با همه وضعیتش به دلیل کودتای اخیر متزلزل می‌شود، اما به خاطر حضور مردم تا حد زیادی می‌تواند آن را بازسازی کند. بنابراین اگر ایران، به‌ویژه از لحاظ سیاسی و اقتصادی قدرتمند باشد، وجه قدرت نظامی نیز محقق می‌شود. یکی از اشکالات دوستان این است که به وجه سوم بیش از دو مورد اول اهمیت می‌دهند. امکان ندارد حکومت با وجه نظامی پایدار بماند. باید دو مسئله دیگر را در حد وسیع داشته باشیم.

● به نظر شما در این سه سال، دولت بازدهم توانسته است از نظر اقتصادی لاقل سیگنال‌هایی بدهد که ما این قدر قوی شده‌ایم که نشود مثل قبل ما را تحریم کرد. آیا کلاً در این حوزه اتفاق خاصی افتاده است؟

به این سؤال می‌توان به دو شکل جواب داد. یکی اینکه آیا بهتر از این می‌شد یا نه؟ به نظرم قطعاً می‌توانست بهتر از این باشد و باید می‌بود. آقای روحانی تمرکزش را روی سیاست خارجی گذاشت، شاید به‌لحاظ تاکتیکی هم مثل من فکر نمی‌کرد و شاید فکرش این بود که حل مسئله سیاست خارجی منجر به گشایش اقتصاد و سیاست داخلی هم می‌شود و به‌نظم اگر این‌طور فکر کرده، اشتباه بوده است. هیچ‌وقت این‌طور فکر نکردم و همیشه فکر می‌کردم باید از سیاست داخلی شروع کرد و سیاست خارجی را به تبع آن بهبود بخشید. اما به‌هرحال این چنین فکر و عمل کردند. بنابراین به دلیل تمرکزی که سه سال بر قضیه برجام کردند، یک مقدار در حوزه اقتصاد و موارد دیگر از پتانسیل و ظرفیت کافی استفاده نکردند. این وجه منفی قضیه است. وجه مثبتش این است که این سه سال را با سه سال آخر احمدی‌نژاد مقایسه کنید. اصلاً قابل قیاس نیست. او درآمدها و پول‌های کلان داشت. رشد کشور در آن زمان منفی و وضعیت اشتغال هم افتضاح بود و هیچ رشد اشتغالی نداشتیم.

در این سه سال با وجود اینکه تحریم‌ها شدت بیشتری داشته و درآمدها کم بوده، تورم تا حد زیادی مهار شده است و به رقمی هم رسیده که اقدام مهمی است. اگر احمدی‌نژاد بود، امروز سرنوشت‌مان مثل ونزوئلا بود، نه جایی دیگر. با تورم ۳۰۰،۲۰۰ درصدی و سه، چهار رقمی، چیزی جز این متصور نیست.

● تورم به قیمت رکود شدید؟

این یک نکته است. مگر دوره احمدی‌نژاد که تورم بود رونق بود؟ آن موقع رشد منفی شش درصد هم داشتیم. الان حداقل این است که رشد منفی نداریم. بله، اقتصاد یک مقدار کرخت شده است و باید تحرکی به آن ببندد. من هم این را می‌فهمم، ولی دارم با آن دوره مقایسه می‌کنم. ایراد شما را در بخش اول صحبت‌م گفتم. در بخش دوم می‌بینم خوشبختانه ونزوئلا نشدیم، چون همه‌چیزمان به همه‌چیز ونزوئلا می‌خورد. آقای جاوز و مادورو در سیاست‌ها و رفتارها فرق چندانی با احمدی‌نژاد نداشتند؛ وابستگی اقتصاد نفت‌مان کاملاً یکی بود. قاعدتاً با تورم سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ باید به تورم ۲۰۰،۳۰۰ درصد می‌رسیدیم. پس این هم نکته مثبت ماجراست. در قضاوت باید هر دو وجه قضیه را در نظر بگیریم.

● آقای روحانی زمان انتخابات از نظر اقتصادی وعده ترکیه‌شدن، نرخ رشد اقتصادی خوب، بالا و متداوم را می‌دهند، اما با گذشت زمان این وعده تبدیل به توجیه می‌شود. مدت زیادی نرخ رشد اقتصادی منتشر نمی‌شد. الان که دولت توانست به وعده اقتصادی‌ای که می‌داد مثل صدروزه و... دست یابد، متوسل به استدلال‌های این چنینی شده است که مثلاً ما ونزوئلا نشده‌ایم. زمان انتخابات بگویم می‌آییم که ترکیه شویم یا نرخ رشد اقتصادی بالا داشته باشیم و وقتی توانستیم، بگویم خوب شد لاقلاً بیچاره نشدیم!

از یک جهت غلط است و از یک جهت درست. بستگی دارد جلوی چه کسی به کار می‌برید. اگر «رمز عبور» از احمدی‌نژاد عبور کرده است، می‌گویم قبول! حالا که این آقا گفته است رشد اقتصادی خواهیم داشت و الان نداریم، چرا نداریم؟ و این خیلی مهم است....

● بحث دفاع از احمدی‌نژاد نیست....

وقتی کسی را نقد می‌کنیم، فقط او را نقد نمی‌کنیم، بلکه می‌خواهیم ببینیم در ورای نقد از او، می‌خواهیم چه چیزی را اثبات کنیم. درباره این دولت نقد خودم را دارم و از دولت قبلی حمایت نمی‌کنم...

ادامه در صفحه ۱۹

روزنه

سردار سلیمانی در بیانیه‌ای تأکید کرد

سرباز ولایت، نظام و ملت بوده و خواهیم بود



● **سپاه‌نیوز:** به دنبال فضاسازی‌های رسانه‌ای و عملیات روانی هفته‌های اخیر رسانه‌های بیگانه و نیز برخی مقامات آمریکایی درباره سرلشکر حاج قاسم سلیمانی، فرمانده محبوب، مردمی، انقلابی و ولایت‌مدار نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، او در بیانیه‌ای تأکید کرد: «با استعانت از خدای سبحان در همین جایگاه سربازی خواهم بود». متن بیانیه سرلشکر سلیمانی به این شرح است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم: با اهدای سلام و درود خالصانه به محضر رهبر معظم و حکیم انقلاب اسلامی و ملت شریف و عزیز ایران؛ در پاسخ به اظهارات تفرقه‌افکنانه اخیر دشمن و مطالبی که حول آن بیان و القا می‌شود، عرض می‌کنم جبهه دشمنان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی سخنان خود را همواره با هدف تفرقه و ایجاد تقابل بین صفوف متحد و یکپارچه مردم انقلابی و رشید بیان می‌کند؛ لذا هیچ‌گاه نباید به آن توجه و اعتنایی کرد. حقیر سرباز صفر ولایت و نظام جمهوری اسلامی و ملت شجاع و عزیزتر از جانم بوده و ان‌شاءالله با استعانت از خدای سبحان تا آخر عمر در همین جایگاه «سربازی» خواهم بود. از همه برادران و خواهران عزیزم خواهشمندم با بی‌اعتنایی به اظهارات فریبکارانه و تفرقه‌افکنانه دشمنان اجازه ندهند وقت ارزشمند خدمتگزاران این ملت صرف اهداف و مقاصد شوم دشمنان گردد».

تخفیف ویژه



ساخت خانه های پیش ساخته چوبی و رویایی

۲۸ ۴۳۳ ۳۴۴ ۲۶ ۹۸+

۳۷ ۳۷۷ ۳۴۴ ۲۶ ۹۸+

۲۰ ۹۱ ۱۳۹ ۹۱۲ ۹۸+

telegram.me/baranakwood

instagram.com/baranak_wood

www.baranakwood.com

دفتر مرکزی کرج رجائی شهر

جشنواره

عید تاعید

بارانک